

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۸: ۵۸۱-۶۰۸

توسعه و جرم در ایران

منصور دیهول^۱

سیروس احمدی^۲

اصغر میرفردی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۷

چکیده

پژوهش پیش‌رو با هدف بررسی رابطه توسعه اجتماعی-اقتصادی و جرم در ایران انجام گرفت. رویکرد این پژوهش به موضوع توسعه و جرم و برهمکنش آنها، رویکردی جامعه‌شناختی به مطالعه انحراف‌ها و مسائل اجتماعی در زمینه توسعه و تحولات اجتماعی است. این پژوهش از نوع کمی-طولانی است که به روش سری‌های زمانی انجام گرفت. مشاهدات مربوط به متغیرهای پژوهش، در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۷۵ جمع‌آوری و بررسی شد. پژوهش در سطح کلان انجام گرفت و به‌همین دلیل، جامعه مورد بررسی، سطح مشاهده و سطح تحلیل کل کشور است. یافته‌ها نشان داد که در دوره بررسی شده، همراه با بهبود شاخص‌های توسعه در کشور، میزان سرقت نیز افزایش چشمگیری پیدا کرده است؛ اما میزان قتل (عمد و غیرعمد) به‌طور تقریبی، روند ثابتی داشته است. بررسی روابط بین متغیرها نشان داد که همه شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی (سطح باسواد، اشتغال در بخش صنعت، میزان امیدبه‌زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای) در کوتاه‌مدت ارتباط منفی با میزان سرقت داشته است؛ اما در بلندمدت، هر ۴ متغیر رابطه مثبت و مستقیم با میزان سرقت داشته‌اند. همچنین هر ۴ شاخص مورد استفاده برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی، در بلندمدت و کوتاه‌مدت، رابطه منفی با میزان قتل داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ایران، توسعه اقتصادی-اجتماعی، روش سری‌های زمانی، سرقت، قتل.

۱. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، مدیر گروه مطالعات اجتماعی شرکت بین‌المللی پردازش اطلاعات

نقش کلیک، mansurdayhol@gmail.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، (نویسنده مسئول)، s.ahmadi@yu.ac.ir

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، amirfardi@shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

توسعه اقتصادی-اجتماعی درحالی که تغییر در شیوه زندگی، تغییر در روابط اجتماعی و شرایط متفاوت عاطفی و نگرش‌های نوی را در پی می‌آورد، متعاقب آن، پدیده‌ها و مشکلاتی چون جنایت خشونت بحران در خانواده، طلاق، اعتیاد، فقر، بی‌خانمانی، فساد اخلاقی، بیماری‌های روانی، الکلیسم و نظایر آن را به همراه دارد (دورکیم، ۱۳۷۸؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۴؛ شیخی، ۱۳۸۱؛ معیدفر، ۱۳۸۵). علاوه بر این، در جوامع در حال گذار، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پایبندی به سنت‌های دیرین است. در این گذار، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر مسئله دیگری تغییر وضع می‌دهند. هر قدر این تحول سریع باشد، تضاد و جابه‌جایی ارزش‌ها چشمگیرتر خواهد بود. در چنین شرایطی، نیروهای حاکم بر جامعه جای خود را به نیروهای تازه می‌سپارند و نظام ارزش‌های جامعه دستخوش آشوب می‌شود و نسل‌های هم‌دوره با این تحولات سریع اجتماعی نمی‌توانند معیارهای همه‌پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند (مساواتی، ۱۳۷۵: ۲۸۱). در این دوران، کشمکش‌های ساختار اجتماعی جامعه افزایش می‌یابد و سبب افزایش نابسامانی در افراد، خانواده و کل سازمان جامعه می‌شود که خود، مسائلی مانند طلاق، خودکشی، قتل و دیگر انحراف‌ها را به وجود می‌آورد.

همان‌گونه که مورتون در نظریه ساختار اجتماعی و آنومی (۱۹۳۸) بحث می‌کند، می‌توان استدلال کرد که در کشورهای در حال توسعه، فرایند کار بست الگوهای توسعه موجب بروز تعارض و تضاد جدی میان قواعد، مقررات و امکانات از یک سو و هدف‌های تبلیغ شده و آگاهی‌های به دست آمده از سوی دیگر شده است و آنجا که امکانات و نظام توزیع جوامع، فرصت بهره‌مندی همگان از مزایای فرهنگ مصرفی هدف‌گذاری شده برای توسعه را نمی‌دهد، بسیاری از گروه‌های محروم در معرض موقعیت‌ها و حالت‌های نابهنجار (آنومیک) قرار می‌گیرند که آنان را به سوی آسیب‌های اجتماعی تباہ‌کننده سوق می‌دهد.

در ایران نیز برنامه‌های توسعه که از زمان رضاشاه و تحت تأثیر الگوی نوسازی شکل گرفته بود، به دلیل تأثیر شرایط طبیعی (توزیع منابع طبیعی، شرایط جغرافیایی و توزیع جمعیت)، عوامل انسانی (تصمیم‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان) و عوامل ساختاری منجر به

شکاف‌هایی در برخورداری از فرصت‌های زندگی و نبود رفاه و امنیت در برخی استان‌ها شده است (سلیمی‌فر، ۱۳۷۶: ۶۵). علاوه‌براین، تأکید یک‌سویه و ناهماهنگ دولت‌ها بر رشد اقتصادی و غفلت از پرداختن به دیگر جنبه‌های توسعه، موجب شده است زیرساخت‌های دیگر بدون هماهنگی و در نظر گرفتن پیامدهای پیش‌بینی‌شده نظام برنامه‌ریزی دولتی سبب اختلال کارکردی در نظام اجتماعی شوند و در نتیجه، زمینه را برای بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی فراهم آورند (ناطق‌پور، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۶)؛ برای مثال، روند طلاق در سه دهه اخیر کشور نشان می‌دهد که در طول این سه دهه، نسبت طلاق به ازدواج بیش از دو برابر شده و از ۸/۲۹ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۲۰/۱ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۳). براساس پرونده‌های ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی در سال‌های دهه هشتاد (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹)، ۱۱ هزار و ۱۱۹ نفر بر اثر اصابت سلاح سرد، جان خود را از دست داده‌اند که به‌طور متوسط در هر سال، یک هزار و ۱۱۹ نفر با سلاح سرد کشته شده‌اند (سازمان پزشکی قانونی، ۱۳۹۲). همچنین، براساس گزارش مرکز آمار ایران، تعداد سرقت لوازم خودرو در کشور، طی دوره پانزده‌ساله ۱۳۷۵-۱۳۹۰ بیش از ۱۰ برابر شده و از ۱۳۵۶۱ مورد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴۵۵۴۷ مورد در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲). با وجود این، وضعیت پیوند بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و میزان جرایم در ایران روشن نیست؛ اینکه آیا می‌توان افزایش برخی جرایم در سه دهه اخیر ایران را به فرایند توسعه کشور مرتبط دانست؟ با این تفصیل، مسئله اساسی پژوهش پیش‌رو این است که آیا جرایم اجتماعی در فرایند زمانی، رابطه معناداری با سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی دارند؟ رویکرد این پژوهش به موضوع توسعه و جرم و برهمکنش آنها رویکردی جامعه‌شناختی به مطالعه انحراف‌ها و مسائل اجتماعی در زمینه توسعه و تحولات اجتماعی است.

از نظر ضرورت پژوهش، بررسی روند تحول جرایم در ارتباط با شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی، به‌ویژه توسعه اقتصادی-اجتماعی، دلالت‌های ارزشمندی برای ارزیابی، بهبود و اصلاح سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورد. علاوه‌براین، در اهمیت پژوهش‌هایی از این دست می‌توان به مطالعات و پژوهش‌های اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل با همکاری دیگر نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی اشاره کرد که با انتشار اسناد و

گزارش‌هایی به موضوع جرم و توسعه در مناطقی از جهان پرداخته است که میزان جرم زیادی داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۵، جرم و توسعه در آفریقا، در سال ۲۰۰۷، جرم و توسعه در آمریکای مرکزی و در سال ۲۰۰۸، نیز گزارشی از اثر جرم بر منطقه بالکان (اروپای جنوب شرقی) منتشر شده که محتوای مشترک این گزارش‌ها، رابطه جرم و توسعه و تأثیر آنها بر یکدیگر است.

پیشینه تجربی پژوهش

با آنکه در کشورهای توسعه‌یافته پژوهش‌هایی که به بررسی پیامدهای توسعه از نظر آسیب‌های اجتماعی یا به‌صورت کلی به ارتباط بین توسعه و جرم می‌پردازند، از ابتدای سده نوزدهم و حتی از اواخر سده هجدهم میلادی با کار بنیانگذاران جامعه‌شناسی مانند کنت، دورکیم و ماکس وبر در اروپا و نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو در آمریکا شروع شد و در دهه ۱۹۷۰-۱۹۸۰ به اوج خود رسید، در ایران پژوهش‌هایی با این رویکرد و به‌خصوص در مقیاس کلان (ملی و منطقه‌ای) به‌ندرت انجام گرفته است.^۱ در این بخش سعی شده است برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های اجتماعی مرتبط با این موضوع، بررسی و به‌طور نظام‌مند مرور شود و نتایج آنها به‌منظور تبیین موضوع پژوهش استخراج شود.

زارع و لک (۱۳۹۰) در پژوهش خود به «مطالعه رابطه سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی با میزان جرایم خشن در بین استان‌ها» پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رابطه مستقیم و به‌نسبت ضعیفی (۰/۳۰) بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و ابعاد آن (توسعه بهداشتی، توسعه آموزشی، توسعه زیربنایی، توسعه صنعتی و توسعه شاخص‌های منتخب) با میزان جرایم خشن (قتل، ضرب و جرح و نزاع‌های دسته‌جمعی) در بین استان‌ها وجود دارد؛ اما از میان جرایم خشن، قتل رابطه معکوس و متوسطی (۰/۵۰-) با توسعه اقتصادی-اجتماعی دارد. سراج‌زاده و نوربخش (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه توسعه اقتصادی و اجتماعی و جرم زنان در ایران» به بررسی سطح توسعه‌یافتگی، مشارکت اجتماعی زنان و

۱. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل انجام نگرفتن پژوهش‌هایی از این دست در ایران، نبود بانک‌های اطلاعاتی یا دسترسی نداشتن پژوهشگران به این اطلاعات بوده است.

تغییرات نسبت جنسیتی جرم پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شاخص‌های توسعه و مشارکت در دوره بررسی شده، در سطح کشوری افزایش داشته است و این دو شاخص، همبستگی قوی و مثبتی دارند؛ در نتیجه، تغییر در شرایط توسعه در کل کشور منجر به افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی شده است؛ اما به موازات این افزایش، نسبت جرم زنان در کل جرایم افزایش نیافته و حتی نشان‌دهنده کاهش جرم زنان است. مقایسه استان‌ها از نظر توسعه‌یافتگی نشان می‌دهد که نسبت جرم زنان در استان‌های دارای سطح توسعه پایین، کمتر از دیگر استان‌هاست.

نابلاخان و دیگران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «تعیین‌کننده‌های اجتماعی-اقتصادی جرم در پاکستان، شواهدی جدید بر داده‌های قدیمی» با روش تحلیل سری‌های زمانی و دسترسی به داده‌ها از منابع مختلفی از جمله بانک جهانی و منابع داخلی کشور پاکستان، دریافتند که ارتباط مثبتی بین میزان جرم و بیکاری در پاکستان، ارتباط منفی بین میزان تحصیلات و میزان جرم و ارتباط مثبتی بین درآمد سرانه و افزایش جرم در بلندمدت وجود دارد.

بوس‌ول^۲ (۲۰۱۳) در رساله دکتری خود در دانشگاه آیووا^۳ با عنوان «تغییرات اقتصادی و خشونت در چشم‌انداز محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی» به بررسی ارتباط بین تغییرات اقتصادی و خشونت فردی با روش تحلیل ثانویه پرداخت. نتایج این پژوهش، رابطه معناداری بین خشونت و شرایط اقتصادی را نشان داد؛ اما شکل و نوع این رابطه، بستگی به نوع خشونت و زمینه اجتماعی آن دارد. در سطح محلی (داده‌های استانی - کشوری) ارتباط مستقیم و معناداری بین تغییرات اقتصادی و میزان خودکشی و قتل وجود دارد؛ در حالی که این رابطه در سطح منطقه‌ای (کشورهای آسیای جنوب شرق) معکوس و معنادار است. همچنین، در سطح بین‌المللی (۵۸ کشور) رابطه تغییرات اقتصادی با قتل، معکوس اما با خودکشی، مستقیم و معنادار است.

اندزنگ^۴ (۱۹۹۱) در رساله دکتری خود با عنوان «جرم و توسعه: تحلیل تطبیقی» به بررسی ارتباط بین جرم و توسعه اقتصادی-اجتماعی پرداخت. این پژوهش با روش تحلیل ثانویه، به

1. Nabeela Khan
2. Matthew James Boswell
3. Iowa
4. Dick Taver'shima Andzenge

بررسی داده‌های طولی از ۵۴ کشور جهان در ۶ دسته اروپای غربی و آمریکای شمالی، آسیا، خاورمیانه، جنوب آفریقا، آمریکای لاتین و کشورهای اسکاندیناوی در طول ۲۵ سال از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵ پرداخت. نتایج پژوهش ارتباط قوی و معناداری بین جرم و توسعه را نشان داد. هرچند این نتایج برای همه کشورهای و نواحی قابل رویت نبوده و در کشورهای آسیایی، توسعه اقتصادی-اجتماعی سبب کاهش جرم و رفتارهای انحرافی شده است. بنابراین براساس نتایج این پژوهش، به نظر می‌رسد تفاوت‌های فرهنگی و منطقه‌ای ممکن است در ارتباط بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و جرم تأثیرگذار باشد.

بنت^۱ (۱۹۹۱) در مقاله مشهور خود با عنوان «توسعه و جرم: تحلیل سری‌های زمانی فراملی مدل مقایسه‌ای» در پی بررسی تأثیرات توسعه اقتصادی بر میزان جرم بود. این مقاله به روش تحلیل ثانویه و بر روی مجموعه داده‌های سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل)^۲، بانک جهانی، سازمان بین‌المللی کار و... برای سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۸۴ در ۵۲ کشور توسعه‌یافته و درحال توسعه‌ای انجام گرفت که معرف مناطق مختلف جغرافیایی باشند. یافته‌های پژوهش نشان داد که توسعه بر میزان جرم (خودکشی و سرقت) تأثیر دارد.

تبیین نظری

یکی از محورهای اصلی پژوهشی که درصدد تبیین‌های کلان^۳ وضعیت جرایم و آسیب‌های اجتماعی است، بررسی تأثیرات اقتصادی-اجتماعی ناشی از توسعه (اقتصادی-اجتماعی) بر ساختار و نظام جوامع و به تبع آن، الگوهای جرم و انحراف‌های اجتماعی در جامعه است (دورکیم، ۱۳۷۸؛ شلی، ۱۹۸۱؛ بنت، ۱۹۹۱؛ شیچور، ۱۹۹۰؛ زهر، ۱۹۸۱؛ راو و جمدار، ۱۹۸۲).

1. Richard R. Bennett

2. International Criminal Police Organization(INTERPOL)

۳. نظریه‌های سطح خرد در تبیین تفاوت رفتارهای انحرافی افراد به‌طورمستقیم به ویژگی‌های فردی (مانند ویژگی‌های زیستی، روان‌شناختی و روان‌شناختی-اجتماعی) یا زمینه‌ی بلافصل اجتماعی‌شان (مانند خانواده و تأثیرات همسالان) توجه می‌کنند. در مقابل، نظریه‌های سطح کلان، تفاوت میزان جرم را از راه انبوه‌های جمعیتی (population aggregates) تبیین می‌کنند (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۹: ۲۰۹) و بر شرایط و ساختارهای کلان جامعه و آثار آن بر وضعیت جرایم و انحراف‌ها تأکید دارند؛ بنابراین از بررسی علل خرد و فردی مسائل اجتماعی مانند ویژگی‌های فردی، نظام شخصیت و ... پرهیز می‌کنند.

براین اساس، توسعه اقتصادی-اجتماعی یا فرایند دستیابی به آن از چند راه ممکن است بر وضعیت آسیب اجتماعی و الگوهای جرم در جوامع تأثیر بگذارد:

صنعتی شدن و شهرنشینی

صنعتی شدن همراه با مزیت‌ها و آثار مثبت، زمینه بروز مشکلات متعددی مانند مهاجرت و شهرنشینی^۱ گسترده را نیز در پی خواهد داشت. در واقع، شهر مدرن زاینده انقلاب صنعتی و تأثیرات فناورانه و اقتصادی-اجتماعی آن است؛ چراکه صنعت به بازار نیروی کار و خدمات وابسته آن نیاز دارد و آن را در همجواری و هم‌نشینی با شهر می‌یابد. از این نظر می‌توان گفت توسعه صنعتی و شهرنشینی دو سوی یک فرایندند. پژوهشگران اجتماعی و جرم‌شناسان بحث‌های طولانی را درباره وجود رابطه بین شهرنشینی، جرم و رفتارهای غیراخلاقی انجام داده‌اند؛ ویژگی‌های خاص زندگی شهری مانند اندازه، تراکم، ناهمگونی و ناشناختگی، پیامد خاص زندگی شهری‌اند که انحراف و کجروی را افزایش می‌دهند (ملیک، ۲۰۱۶: ۶۹)؛ از سوی دیگر، مهاجرت روستاییان به شهرها در جست‌وجوی کار و زندگی بهتر و سکونت نامناسب در حواشی و محلات خاص، همراه با تعارض‌های قومی و فرهنگی و تفاوت در شیوه‌های زندگی، گم‌گشتگی و تغییر هویت در محیط‌های نامأنوس شهری همراه با کاهش نظارت و کنترل اجتماعی بی‌نظمی و در نتیجه اختلال و قانون‌شکنی و بی‌توجهی به ضوابط و قوانین و در نهایت، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی را در پی خواهد آورد (توسلی، ۱۳۹۳: ۴۴). در این زمینه، نتایج پژوهش‌های تطبیقی بین‌المللی نشان می‌دهد که افزایش شدید میزان جرایم^۳ در جوامع در حال صنعتی‌شدن نتیجه اختلال در الگوهای نظام سنتی بر اثر شهرنشینی و تغییرات اجتماعی سریع و تغییر از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و خدماتی است (لافری و دراس، ۲۰۰۲: ۷۷۳).

1. urbanization

۲. ذکر این نکته ضروری است که شهرنشینی در جهان، خاصه در مشرق زمین، سابقه‌ای کهن دارد و آثار عظیم شهرنشینی و بناهای ارزشمند از گذشته‌های دور به‌جای مانده است؛ اما رشد بی‌سابقه شهرها در عصر حاضر در پی توسعه صنعت در سده نوزدهم اتفاق افتاد و تا پیش از سده نوزدهم و انقلاب صنعتی، سابقه نداشته است (شارع‌پور، ۱۳۹۳: ۴۲).

3. crime booms

ساختار جوامع در حال گذار

در جوامع در حال گذار، رفتارهای انحرافی تاحدزیادی نتیجه برخورد ارزش‌ها و هنجارهای مدرن با نظام قدیمی و مختل شده تخصیص نقش‌هاست؛ هنگامی که نقش‌های جدید به‌طور کامل برای ساخت دستورالعمل‌های هنجاری در جامعه نهادینه و یکپارچه نشده باشند و سازوکارهای حمایتی سنتی مبهم و دچار اختلال شده باشند، این فرایندها به افزایش میزان جرم و انحراف‌ها منجر می‌شوند و با گستره وسیعی از مفاهیم متمایز، از جمله اختلال در ساختار اجتماعی (دیویس، ۱۹۶۲؛ اسملسر، ۱۹۶۲)، آنومی (دورکیم، ۱۸۹۷؛ مورتون، ۱۹۳۸؛ مسنر و روزنفلد، ۱۹۷۷)، درهم شکستن^۱ (تیلی و دیگران، ۱۹۷۵؛ یوسیم، ۱۹۸۵)، تنش^۲ (لودهی و تیلی، ۱۹۷۳) و فشار^۳ (اینکس، ۱۹۸۳؛ لیوی، ۱۹۶۶) توصیف می‌شوند (لافری و دراس، ۲۰۰۲: ۷۷۳). در این زمینه ۳ تبیین متفاوت اما مرتبط به هم مطرح شده است:

فرضیه‌ای کلی وجود دارد مبنی بر اینکه توسعه اقتصادی-اجتماعی بر الگوها و رفتارهای انحرافی تأثیر می‌گذارد؛ مبنای اصلی این فرضیه، مفاهیم نظری خاص مانند نظریه آنومی دورکیم و مورتون است که نشان می‌دهد در زمان تغییرات سریع اجتماعی، سازگاری اجتماعی دچار اختلال می‌شود و نتیجه آن ظهور شرایط مبهمی است که در آن، سازوکارهای کنترل اجتماعی قادر به تنظیم زندگی اجتماعی نیستند و همچنین، دستورالعمل‌های رفتاری و انتظاراتی نقش بر یکدیگر انطباق ندارند (شیجور، ۱۹۹۰: ۶۵). آنومی اجتماعی یا اختلال هنجاری به مثابه یکی از انواع عمده اختلال اجتماعی، از عوارض عمده مرحله گذار است (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

فرض نظری دیگر، بحث عقب‌ماندگی فرهنگی^۵ است که آگبرن^۶ مطرح کرده است. براساس این فرضیه، عقب‌ماندگی فرهنگی در جوامعی اتفاق می‌افتد که توسعه اقتصادی گسترده‌ای را تجربه می‌کنند که در جریان آن، فرهنگ مادی به سرعت تغییر می‌کند؛ درحالی‌که

-
1. breakdown
 2. tension
 3. strain
 4. Gary Lafree, Kriss A. Drass
 5. culture lag
 6. Ogburn, William Fielding

سرعت تغییر فرهنگ انطباقی (سازبخش)^۱ بسیار کمتر است. این فاصله بین سرعت تغییرات فناورانه و تغییرات فرهنگی، بر کنترل اجتماعی تأثیر می‌گذارد و تأثیر سنتی گروه‌های اولیه کاهش می‌یابد و خلأ ایجاد شده توسط سازوکار کنترل اجتماعی رسمی پر نمی‌شود. این فرایند به افزایش حجم رفتارهای ضداجتماعی^۲ می‌انجامد. افراد زیادی مجبور به سازگاری با فضای اجتماعی فرهنگی در حال تغییرند و نیازهای (به‌طور عمده مادی) جدیدشان برآورده نمی‌شود. آگبرن نتیجه‌گیری می‌کند «جرم گواه روشنی از ناسازگاری بین طبیعت انسانی و فرهنگ است» (شیجور، ۱۹۹۰: ۶۵-۶۶).

فرض دیگر بحث نابرابری اقتصادی در فرایند توسعه و تأثیر آن بر میزان جرم در جامعه است که بیشتر از سوی اقتصاددانان مطرح شده است. عمده بحث‌های نابرابری و توسعه اقتصادی تحت تأثیر فرضیه معروف «سیمون کوزنتس»^۳ مورخ اقتصادی است. کوزنتس، توسعه اقتصادی را به‌مثابه فرایند گذار از اقتصاد سنتی (یا روستایی) به اقتصاد نو (یا شهری) نگاه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد رو به وخامت می‌گذارد؛ زیرا تعداد کمی از مردم این توانایی را دارند که به بخش نو یا مدرن منتقل شوند و از این رو، اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نو زیاد است. در مراحل بعدی توسعه، توزیع درآمد رو به بهبود می‌گذارد. براساس این فرضیه، در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد، نخست افزایش می‌یابد و پس از ماندن در سطح معینی، به تدریج کاهش می‌یابد. این الگو، بعدها به نام «منحنی وارونه کوزنتس»^۴ معروف شد. بنابراین، نابرابری به‌طور نسبی در کشورهای در حال گذار (یعنی در سطوح میانی توسعه اقتصادی) کم‌وبیش زیاد است (چلبی و اکبری، ۱۳۸۴: ۲۹). از سوی دیگر، اما نابرابری درآمدی به‌مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در جامعه مطرح است.

تغییرات ارزشی

در بیشتر جوامع، توسعه با تغییر ارزش‌ها همراه است. مهم‌ترین تلاش برای عرضه یک نظریه

1. adaptive culture
2. antisocial behavior
3. Simon Kuznets
4. Kuznets U-inverted curve

منسجم تغییر ارزش‌ها در جریان توسعه از آن رونالد اینگلهارت است. نظریه اینگلهارت مبتنی بر این است که توسعه اجتماعی-اقتصادی با سندرم گسترده نگرش‌های متمایز ارزشی مرتبط است که تغییرات نظام‌مندی در ارزش‌های اساسی افراد به همراه می‌آورد. اینگلهارت اثبات می‌کند که جهان‌بینی‌های مردم جوامع ثروتمند به شیوه‌ای نظام‌مند از جهان‌بینی جوامع کم‌درآمد در گستره وسیعی از هنجارهای سیاسی، اجتماعی و دینی، متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها در ۲ بعد اصلی تداوم می‌یابند: ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های سکولار-عقلانی و ارزش‌های بقا در مقابل ارزش‌های ابراز وجود (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۵).

جوامع سنتی بر دین، ارزش‌های سنتی و احترام و اطاعت از ارزش‌های اقتدار تأکید می‌کنند؛ دگرگونی از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار-عقلانی با دگرگونی از جامعه روستایی به جامعه صنعتی مرتبط می‌شود. با رشد سطوح صنعتی شدن، جوامع سکولارتر و عقلانی‌تر می‌شوند. همچنین، دگرگونی از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابراز وجود با رشد جامعه فراصنعتی مرتبط می‌شود. ارزش‌های بقا اولویت زیادی برای امنیت اقتصادی و فیزیکی و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی قائل می‌شوند. ارزش‌های ابراز وجود به آزادی بیان، مشارکت در تصمیم‌گیری فعالیت سیاسی، حمایت از محیط‌زیست، برابری جنسیتی و رشد تساهل نسبت به اقلیت‌های قومی، دسته‌ها و گروه‌های مختلف، اولویت زیادی اختصاص می‌دهند (همان: ۱۶-۱۷). بنابراین، ارزش‌ها و عقاید موجود در جوامع توسعه‌یافته با ارزش‌های میان فرهنگی و عقاید جوامع سنتی بسیار متفاوت‌اند. در جوامع سنتی، خانواده برای بقا ضروری است، مردم طلاق را انکار کرده، بر سازگاری اجتماعی بسیار بیش از مبارزات فردگرایانه تأکید می‌کنند، از احترام به قدرت حمایت کرده، سطوح بالایی از غرور ملی و نگرش ملی‌گرایانه دارند؛ اما جوامع توسعه‌یافته با ارزش‌های سکولار-عقلانی در این موضوع‌ها خصلت‌های متفاوتی دارند (همان: ۸۷).

براین اساس، با توجه به مرور نتایج پژوهش‌های پیشین و همچنین بر اساس فرضیه‌های نظری مطرح‌شده درباره ارتباط توسعه اقتصادی-اجتماعی از راه صنعتی شدن و شهرنشینی، تحولات دوران گذار (تجربه آنومی، عقب‌ماندگی فرهنگی و نابرابری و تغییرات ارزشی) و جرم می‌توان فرضیه زیر را مطرح کرد:

بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و تغییرات میزان جرایم رابطه وجود دارد؛ این تغییرات با توجه به روند توسعه یافتگی و ماهیت جرم ممکن است کاهشی یا افزایشی باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو از نوع کمی-طولی است که به روش سری‌های زمانی انجام گرفته است. سری زمانی به مجموعه‌ای از مشاهدات کمی گفته می‌شود که در فواصل زمانی و به صورت متوالی اندازه‌گیری می‌شود. روش‌های آماری که این‌گونه داده‌های آماری را استفاده می‌کنند، روش‌های تحلیل سری‌های زمانی نامیده می‌شوند (چتفیلد، ۱۳۸۹: ۳۲). در این پژوهش، مشاهدات مربوط به متغیرهای پژوهش، در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۵ جمع‌آوری و بررسی شد. منبع اصلی داده‌های پژوهش، استفاده از داده‌های موجود مراکز آماری کشور مانند مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بود. بنابر تعریف مفهومی، توسعه فرایندی است که طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود؛ به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۸). براین اساس، باید بین توسعه به مثابه یک فرایند (میزان تغییر) و توسعه به مثابه یک شرط (یک سطح) تمایز قائل شد. توسعه یا میزان تغییر را مشخص می‌کند یا به معنای سطح کلی رفاه اقتصادی-اجتماعی یا برابری اجتماعی به کار می‌رود (لفت‌ویچ، ۱۳۸۹: ۷۴). در اینجا، توسعه اقتصادی-اجتماعی به مثابه یک فرایند (میزان تغییر) مدنظر است و برای بررسی این فرایند و با توجه به شاخص‌های جهانی مشابه، برای سنجش درجه یا میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها، مانند شاخص توسعه انسانی^۱ (با شاخص‌های زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب)، شاخص پیشرفت اجتماعی^۲ (با شاخص‌های نیازهای اساسی انسانی، نیازهای زیربنایی و فرصت‌ها) در ۴ زمینه اصلی (توسعه آموزشی، توسعه بهداشت و سلامت، توسعه زیرساختی و توسعه اقتصادی) از شاخص‌های زیر استفاده شده است:

1. Human Development Index
2. Social Progress Index

توسعه آموزشی: شاخص درصد باسوادی به معنای نسبت جمعیت ۶ سال و بیشتر باسواد کشور نسبت کل جمعیت (منبع داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)؛
توسعه بهداشتی و سلامت: شاخص امید به زندگی به معنای متوسط طول عمر در هر جامعه (منبع داده‌ها: بانک جهانی)؛

توسعه زیرساختی: شاخص ترکیبی از میزان دسترسی به آب لوله‌کشی، برق شهری، تلفن ثابت، گاز شهری (منبع داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)؛

توسعه اقتصادی: میزان شاغلان بخش صنعت به معنای تعداد افراد شاغل در کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر و بیشتر کارکن (منبع داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران).
بنابر تعریف مفهومی، جرم به آن دسته از رفتارهای ناهم‌نوا اطلاق می‌شود که به نقض قانون می‌انجامد (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۹۵). در این پژوهش از میزان سرقت و قتل برای سنجش جرم در کشور استفاده شد.

پژوهش پیش‌رو در سطح کلان انجام گرفت و به همین دلیل، جامعه مورد بررسی، سطح مشاهده و تحلیل، کل کشور است. برای توصیف یافته‌ها از منحنی‌های زمانی و برای بررسی رابطه توسعه اقتصادی-اجتماعی و جرم از تحلیل سری زمانی به روش الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۱ ARDL و برای تخمین الگو و بررسی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت از نرم‌افزار مایکروفیت^۲ استفاده شد. با توجه به اینکه در تحلیل سری‌های زمانی، علاوه بر سنجش دوره‌های بلندمدت، امکان سنجش دوره‌های کوتاه‌مدت نیز وجود دارد، در بررسی رابطه متغیرها علاوه بر روابط ایستا و کوتاه‌مدت، روابط پویا و بلندمدت نیز مورد توجه بود.

درباره اعتبار و پایایی پژوهش، همان‌طور که بیکر معتقد است، یکی از مهم‌ترین دلایل استفاده از آمارهای موجود این است که به‌هنگام آمارگیری و پردازش داده‌ها، اعتبار و پایایی بسیاری از مسائل مورد توجه و بررسی قرار گرفته و رفع شده است؛ برای مثال، میزان جرایم یا بیکاری اندازه‌هایی است که مدت‌های مدید روی آنها کار شده، مورد انتقاد قرار گرفته، از نو ساخته و پرداخته شده است و در مورد سنجش این متغیرها اجماع زیادی وجود دارد (بیکر،

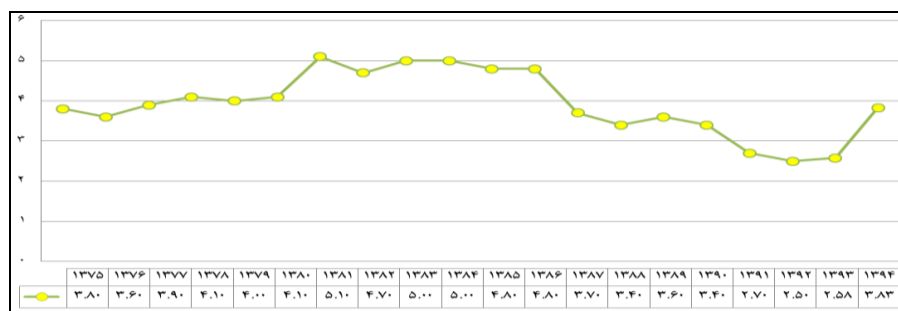
1. Auto regressive distributed lag (ARDL) method.

2. Microfit

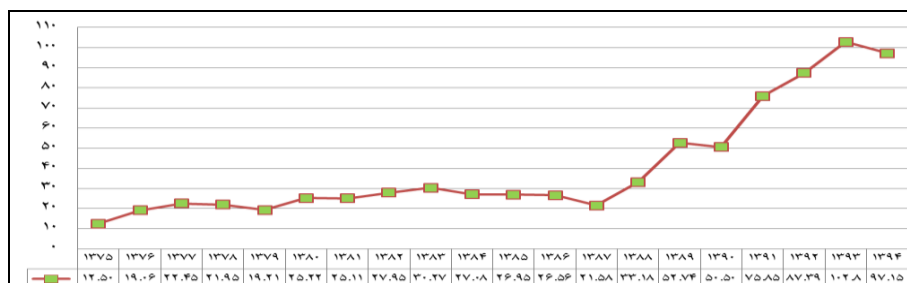
۱۳۹۲: ۳۳۶). براین اساس، در پژوهش پیشرو تلاش شد منابع موردنیاز از دستگاه‌ها و نهادهای معتبر ملی و بین‌المللی جمع‌آوری و با مقایسه داده‌ها و منابع مختلف، خطاهای احتمالی شناسایی و تصحیح شوند.

یافته‌های پژوهش

نمودار ۱ و ۲ میزان قتل به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت و میزان سرقت به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت در کشور را طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد.



نمودار ۱. میزان قتل (عمد و غیرعمد) در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، سال ۱۳۷۵-۱۳۹۴



نمودار ۲. میزان سرقت در هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، سال ۱۳۷۵-۱۳۹۴

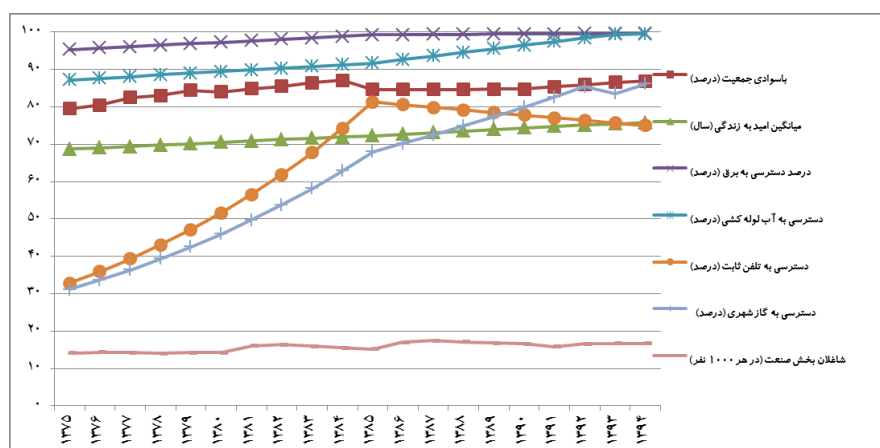
براساس آمار مرکز آمار ایران، در طول ۲۰ سال بررسی‌شده در این پژوهش (۱۳۷۵-۱۳۹۴):

روند قتل (عمد و غیرعمد) در کشور روندی سینوسی (افزایشی-کاهشی) را تجربه کرده است؛ به‌این‌صورت که میزان قتل در سال ۱۳۷۵ به‌مثابه سال ابتدایی بررسی، ۳/۸ مورد به‌ازای

هر ۱۰۰ هزار نفر بوده که این میزان با روند افزایشی در سال ۱۳۸۱ به میزان ۵/۱ مورد به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر رسیده و سپس روند کاهشی آن آغاز شده و تا میزان ۲/۵ مورد نیز در سال ۱۳۹۲ رسیده است و سپس با روند افزایشی به میزان ۳/۸۳ مورد به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

اما روند سرقت در کشور، به‌طورکامل افزایشی بوده و از ۱۲/۵ مورد به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت در کشور در سال ۱۳۷۵ به ۹۷/۱۵ مورد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. اگرچه در برخی از سال‌ها نسبت به سال قبلی، میزان سرقت تا حد کمی کاهش داشته، روند کلی سرقت در کشور افزایش شدیدی را در طول ۲۰ سال نشان می‌دهد.

درباره وضعیت توسعه اقتصادی-اجتماعی با توجه به شاخص‌های موردبررسی ارائه‌شده در نمودار ۳، می‌توان گفت که در بیشتر شاخص‌های بررسی‌شده شاهد روند افزایشی هستیم.



نمودار ۳. شاخص‌های توسعه در ایران، سال ۱۳۷۵-۱۳۹۴

همان‌طور که در نمودار ۳ نیز مشاهده می‌شود، براساس آمار مراجع رسمی در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴:

- روند میزان باسوادی از ۷۹/۵۰ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۸۶/۸۶ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش پیدا کرده است.

- روند شاغلان بخش صنعت از ۱۴/۱۰ نفر شاغل از هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۷۵ به ۱۶/۶۶۶۳ نفر شاغل در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۹۴ افزایش پیدا کرده است.
- روند امیدبه‌زندگی جمعیت در بدو تولید از ۶۸/۷۲ سال در سال ۱۳۷۵ به ۷۵/۷۲ سال در سال ۱۳۹۴ افزایش پیدا کرده است.
- روند دسترسی به آب لوله‌کشی از ۸۷/۲۰ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹۹/۵۰ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش پیدا کرده است.
- روند دسترسی به تلفن ثابت از ۳۲/۸۰ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۵/۰ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش پیدا کرده است.
- روند دسترسی به برق شهری از ۹۵/۳۰ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۹۹/۶۰ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است.

بنابراین، با توجه به این اطلاعات می‌توان گفت توسعه اقتصادی-اجتماعی در کشور در طول سال‌های مدنظر (۱۳۷۵-۱۳۹۴) روند افزایشی و رو به بهبود داشته و سطح کلی رفاه اقتصادی-اجتماعی جمعیت افزایش یافته است. البته همان‌طور که در تعریف مفهومی شاخص توسعه اقتصادی-اجتماعی نیز بیان شد، آنچه در این پژوهش مدنظر است، توسعه اقتصادی-اجتماعی به‌مثابه روند و میزان است و نه به‌مثابه سطح و مقصد نهایی؛ بنابراین براساس این تعریف است که شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۵ میلادی (یا سال ۱۳۹۴ شمسی به‌مثابه سال انتهایی مدنظر) معادل ۰/۷۷۴ و در بین کشورها با سطح توسعه بالا^۱ قرار می‌گیرد و بین سال‌های ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) تا ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) شاخص توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران از ۰/۶۴۲ به ۰/۷۷۴ رسیده است (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۶).

بررسی روابط متغیرها

همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، به‌منظور برآورد رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای مستقل پژوهش (توسعه اقتصادی-اجتماعی با شاخص‌های مشخص‌شده) و جرم (قتل و سرقت) در ایران بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴، از روش اقتصادسنجی، الگوی خودرگرسیون

1. High human development

با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده شد. روش اقتصادسنجی (ARDL) را هاشم پسران و شین^۱ (۱۹۹۹) به منظور بررسی رابطه هم‌جمعی و بلندمدت بین متغیرها عرضه کردند. یک الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی، به‌طور کلی به این شکل $ARDL(p_1, q_1, q_2, \dots, q_k)$ نشان داده می‌شود. به‌طور مشخص، اگر Y_t متغیر وابسته و X_t متغیر مستقل باشد، مدل ARDL به‌صورت زیر خواهد بود (تشکینی، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۵۳):

$$\alpha(L, P) Y_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^k \beta_i(L, q_i) X_{i,t} + U_t$$

که در آن:

$$\alpha(L, q_i) = 1 - \alpha_1 L - \alpha_2 L^2 - \dots - \alpha_p L^p$$

$$\beta_i(L, q_i) = \beta_i + \beta_{i1} L + \dots + \beta_{iq} L^q$$

و α_0 مقدار ثابت، L عملگر وقفه، P تعداد وقفه‌های به‌کاررفته برای متغیر وابسته (Y_t) و q تعداد وقفه‌های مورد استفاده برای متغیرهای مستقل (X_{it}) است.

به‌منظور برآورد الگو از نرم‌افزار مایکروفیت^۲ استفاده شد و مراحل آن به‌این‌صورت بود که در مرحله اول با استفاده از آزمون ریشه واحد، درجه هم‌جمعی هر یک از متغیرهای الگو تعیین شد؛ سپس با انجام دادن آزمون F ، وجود یا نبود رابطه بلندمدت بین متغیرها بررسی و ضرایب بلندمدت محاسبه شد. در مرحله بعد، به‌منظور بررسی رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرها، الگوی تصحیح خطای ARDL، برآورد شد و سرعت تعدیل در هر دوره به‌منظور برقراری رابطه‌ای بلندمدت به‌دست آمد. در پایان نیز برای اطمینان از ثبات ضرایب الگو در طول زمان، آزمون‌های ثبات CUSUM و CUSUMSQ انجام گرفت.

پیش از برآورد الگو، باید آزمون مانایی^۳ برای تمامی متغیرها انجام می‌گرفت^۴ تا این اطمینان حاصل شود که هیچ‌یک از متغیرها جمعی از مرتبه ۲، یعنی $I(2)$ نیستند و از این راه از

1. Hashem Pesaran & Yongcheol Shin

2. Microfit

3. Stationary Test

۴. مانایی متغیرهای پژوهش، به این معناست که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است؛ یعنی دارای میانگین ثابت، واریانس ثابت و خودکوواریانس ثابت بوده است.

نتایج ساختگی اجتناب شود؛ زیرا هنگام وجود متغیرهای $I(2)$ در الگو، به آماره‌های F محاسبه شده نمی‌توان اعتماد کرد. آزمون F مبتنی بر این فرض است که تمامی متغیرهای موجود در الگو، $I(0)$ یا $I(1)$ هستند (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۸). اگر معادله سری‌های زمانی، نامانا برآورد شود، در این صورت ضرایب به دست آمده از رگرسیون یادشده، کاذب و گمراه‌کننده خواهند بود. بنابراین، برای اجتناب از رابطه‌ای کاذب و نتایجی گمراه‌کننده، پیش از برآورد الگو، مرتبه انباشتگی هریک از متغیرها به روش دیکی-فولر تعمیم یافته^۱ (ADF) آزمون شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱. نتایج آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته برای آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	سطح		تفاضل مرتبه اول	
	آماره ADF	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	آماره ADF	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
میزان قتل	-۲/۰۲۱۷	-۳/۶۹۲۱	-۳/۸۷۱۰	-۳/۵۶۷۱
میزان سرقت	-۰/۶۷۶۱۴	-۳/۶۹۲۱	-۴/۵۴۲۰	-۳/۵۶۷۱
درصد باسوادی	-۲/۸۲۲۶	-۳/۶۹۲۱	-۴/۴۸۴۴	-۳/۵۶۷۱
میزان اشتغال در بخش صنعت	-۲/۵۹۶۶	-۳/۶۹۲۱	-۴/۵۰۹۲	-۳/۶۳۱۱

منبع: خروجی نرم افزار مایکروفت

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، با انجام دادن آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته و با مقایسه آماره آزمون^۲ با مقادیر بحرانی^۳ این نتیجه به دست آمد که همه متغیرهای مورد بررسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد انباشته از مرتبه اول بوده، مانا نیستند^۴. برای مانایی کردن متغیرها

1. Augmented Dickey-Fuller
2. Test Statistic
3. critical value

۴. برای رد فرضیه صفر (نامانایی) و پذیرش فرضیه پایایی باید آماره محاسباتی ۱. منفی باشد و ۲. قدرمطلق آن از مقدار بحرانی جدول بیشتر باشد (تشکینی، ۱۳۹۳: ۱۸۴).

از تفاضل مرتبه اول^۱ آنها استفاده شد که نتایج سمت چپ جدول نشان می‌دهد تفاضل مرتبه اول همه متغیرهای میزان قتل، میزان سرقت، درصد باسوادی، شاغلان بخش صنعت و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مانايند و بنابراین، می‌توان از روش ARDL به منظور بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت آنها و برآورد الگو استفاده کرد. برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش، ماتریس همبستگی متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است. با توجه به یافته‌های جدول ۲، همه شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی دارای رابطه مثبت یا مستقیم با میزان سرقت و رابطه منفی و معکوس با میزان قتل بودند. با توجه به میزان مقادیر همبستگی ارائه شده در جدول، میزان امیدبه‌زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای به ترتیب دارای قوی‌ترین رابطه همبستگی با میزان سرقت و قتل بودند.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرها

متغیر	درصد باسوادی	درصد شاغلان بخش صنعت	میزان امیدبه‌زندگی	دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	میزان سرقت	میزان قتل
درصد باسوادی	۱	۰/۶۳۴	۰/۷۲۵	۰/۷۶۶	۰/۵۶۶	۰/۰۴۸
درصد شاغلان بخش صنعت	۰/۶۳۴	۱	۰/۷۹۹	۰/۸۵۷	۰/۴۸۷	-۰/۱۷۸
میزان امیدبه‌زندگی	۰/۷۲۵	۰/۷۹۹	۱	۰/۹۶۳	۰/۸۵۶	-۰/۴۹۶
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	۰/۷۶۶	۰/۸۵۷	۰/۹۶۳	۱	۰/۷۰۵	-۰/۳۲۲
میزان سرقت	۰/۵۶۶	۰/۴۸۷	۰/۸۵۶	۰/۷۰۵	۱	-۰/۶۴۸
میزان قتل	-۰/۰۴	-۰/۱۷۸	-۰/۴۹۶	-۰/۳۲۲	-۰/۶۴۸	۱

منبع: خروجی نرم‌افزار مایکروفت

۱. تفاضلی کردن عملی است که سبب مانا شدن و ایستایی متغیرها می‌شود. تفاضلی کردن متغیر یعنی اینکه در هر سال داده آن سال را از داده سال قبل آن کسر کنیم. برخی داده‌ها پس از چند بار تفاضلی کردن مانا می‌شوند.

بررسی رابطه توسعه اقتصادی-اجتماعی با میزان سرقت

به منظور برآورد رابطه کوتاه مدت، ابتدا با توجه به تعداد محدود مشاهدات، بیشترین وقفه (۲) لحاظ و سپس با استفاده از معیار بیزین-شوارتز^۱، الگوی کوتاه مدت برآورد شد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، در رابطه کوتاه مدت برآورد شده بین شاخص های توسعه اقتصادی-اجتماعی و میزان سرقت، وقفه بهینه میزان سرقت، میزان باسوادی، اشتغال در بخش صنعت و دسترسی به امکانات زیرساختی به ترتیب ۲، ۲، ۱ و ۱ برآورد شد.

جدول ۳. بررسی رابطه کوتاه مدت بین شاخص های توسعه و میزان سرقت

متغیر (وقفه)	ضریب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
سرقت (-۱)	-۱/۱۴۰۰	۰/۲۳۰۸۳	-۴/۹۳۸۵	۰/۵۵۸
درصد باسوادی	-۰/۶۳۱۷۱	۱/۳۲۴۸	-۰/۴۷۶۸۴	۰/۰۴۸
درصد باسوادی (-۱)	-۳/۳۲۵۰	۱/۷۸۷۰	-۱/۵۳۵۸	۰/۰۳۶
درصد شاغلان بخش صنعت	-۴/۱۴۲۳	۲/۶۹۷۱	-۰/۴۰۳۸۷	۰/۰۰۹
درصد شاغلان بخش صنعت (-۱)	-۹۴۰۴۰	۲/۳۲۸۵	-۱/۸۸۹۸	۰/۰۰۷
درصد شاغلان بخش صنعت (-۲)	-۵/۸۱۹۹	۳/۰۷۹۶	-۵/۳۷۰۴	۰/۰۳۲
میزان امید به زندگی	-۱۶۲/۱۱۹۷	۳۰/۱۸۷۵	-۱/۲۱۰۲	۰/۰۰۶
میزان امید به زندگی (-۱)	-۸۲/۱۸۵	۶۰/۳۴۹۷	-۴/۲۳۱۲	۰/۰۲۳
میزان امید به زندگی (-۲)	-۳۴۲/۴۱۶۹	۸۰/۸۲۷۵	-۰/۳۷۲۱۸	۰/۰۱۳
دسترسی به زیرساخت های توسعه	۰/۹۰۶۹۳	۲/۴۳۶۸	۰/۳۷۲۱۸	۰/۰۲۹
دسترسی به زیرساخت های توسعه (-۱)	۵/۳۹۸۵	۳/۳۳۱۵	۰/۷۱۹۹۵	۰/۰۱۱
دسترسی به زیرساخت های توسعه (-۲)	۸/۵۰۷۲	۲/۵۱۱۵	۳/۳۸۷۳	۰/۰۲۰
عرض از مبدأ	-۵۳۱۹/۳	۷۴۶/۴۸۴۹	-۷/۱۲۵۷	۰/۰۰۲

منبع: خروجی نرم افزار مایکروفت

با توجه به یافته های مندرج در جدول ۳، اثر متغیر میزان سرقت، همان طور که پیش بینی می شد، بر میزان سرقت در سال های بعد تأثیر معناداری نداشت. تأثیرات معنادار میزان باسوادی بدون وقفه و با یک سال وقفه بر میزان سرقت به صورت منفی بود و بیشترین تأثیرات را با

1. Schwarz Bayesian

وقفه یک سال بر میزان سرقت داشت. تمامی تأثیرات متغیر میزان اشتغال بخش صنعتی بر میزان سرقت منفی و بیشترین تأثیرات آن با وقفه یک سال بود. بیشترین میزان تأثیر امیدبه‌زندگی و میزان دسترسی به امکانات زیرساختی توسعه در وقفه دو سال وارد شد؛ ضمن اینکه تمامی تأثیرات این دو متغیر در کوتاه‌مدت بر میزان سرقت به صورت مثبت و معنادار بود. همچنین، میزان تبیین الگو برابر با ۰/۹۹۲۹۵ و سطح معناداری (۰/۰۰۰) آزمون F-stat نشان از برآورد درست و با دقت زیاد الگو داشت. علاوه‌براین، براساس نتایج مندرج در جدول ۳، آزمون‌های تشخیصی^۱ از جمله اختلال به لحاظ خودهمبستگی سریالی، فرم تبعی، نرمال بودن توزیع جملات خطا و همسانی واریانس جملات اختلال، همه شرایط کلاسیک را داشتند و از تمامی آزمون‌های نکویی برازش عبور کردند.

پیش از محاسبه رابطه بلندمدت بین متغیرها، ابتدا باید وجود آن بررسی می‌شد. برای این منظور، با کم کردن مقدار ضریب وقفه متغیر وابسته (۰/۱۴۰۰) از ۱ و تقسیم آن بر انحراف استاندارد (۰/۲۳۰۸) عدد ۳/۷۲۵- به دست آمد که از نظر قدرمطلق از مقدار بحرانی بنرجی، دولادو و مستر^۲ (۳/۲۷) بیشتر بود؛ بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه بلندمدت را به نفع فرضیه مقابل (وجود رابطه بلندمدت) رد کردیم. نتایج حاصل از برآورد رابطه بلندمدت در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. بررسی رابطه بلندمدت بین شاخص‌های توسعه و میزان سرقت

متغیر (وقفه)	ضریب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
درصد باسوادی	۲/۱۳۸۸	۰/۴۸۳۶۶	۲/۳۵۴۶	۰/۰۰۸
درصد شاغلان بخش صنعت	۱/۵۹۶۷	۰/۹۳۳۷۶	۲/۷۸۰۹	۰/۰۵۰
میزان امیدبه‌زندگی	۲۸/۱۸۵۸	۱/۰۴۵۰	۲۶/۸۷۶۲	۰/۰۰۰
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	۳/۰۴۰۰	۱/۰۴۵۰	۱۳/۵۷۰۷	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	۱۵۳۱/۰	۵۵/۸۹۱۷	۲۷/۳۹۲۸	۰/۰۰۰

منبع: خروجی نرم‌افزار مایکروفت

1. Diagnostic Tests
2. Banerjee, Dolado and Mester

توسعه و جرم در ایران ۶۰۱

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در بلندمدت تأثیر همه شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی بر میزان سرقت مثبت و معنادار بود و متغیرهای میزان امیدبه‌زندگی و میزان دسترسی به امکانات زیرساختی تأثیرات بلندمدت قوی‌تری بر میزان سرقت به نسبت متغیرهای میزان اشتغال در بخش صنعت و درصد باسواد جمعیت داشتند.

بررسی رابطه توسعه اقتصادی-اجتماعی با میزان قتل

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، در رابطه کوتاه‌مدت برآوردشده بین شاخص‌های توسعه و میزان قتل، وقفه بهینه میزان قتل، میزان باسواد، اشتغال در بخش صنعت و دسترسی به امکانات زیرساختی به ترتیب ۲، ۲، ۱ و ۱ برآورد شد.

جدول ۵. بررسی رابطه کوتاه‌مدت بین شاخص‌های توسعه و میزان قتل

متغیر (وقفه)	ضریب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
سرتقت (۱-)	-۰/۲۰۲۳	۰/۱۷۲۸۳	-۱/۴۷۴۵	۰/۲۱۴
درصد باسواد	-۴/۱۴۹۴۷	۰/۱۷۳۷۵	-۰/۸۶۰۲۹	۰/۰۰۳
درصد باسواد (۱-)	-۴/۰۵۶۶۷۳	۰/۲۱۱۶۵	-۰/۲۶۷۷۶	۰/۰۰۲
درصد باسواد (۲-)	-۳/۳۶۶۲۳	۰/۱۶۵۱۵	-۲/۲۱۷۵	۰/۰۴۱
درصد شاغلان بخش صنعت	-۱/۴۹۶۰۷	۰/۲۱۲۱۰	-۲/۳۳۸۸	۰/۰۴۹
درصد شاغلان بخش صنعت (۱-)	-۱/۰۳۴۶۴۲	۰/۲۱۹۴۸	-۰/۱۵۷۸۴	۰/۰۰۲
درصد شاغلان بخش صنعت (۲-)	-۲/۴۳۴۶۰	۰/۲۳۹۵۷	-۱/۸۱۴۱	۰/۰۴۴
میزان امیدبه‌زندگی	-۰/۴۹۷۶۰	۲/۶۶۴۵	-۰/۱۸۶۷۵	۰/۵۵۱
میزان امیدبه‌زندگی (۱-)	-۲/۳۳۵۰	۴/۱۳۷۴	-۱/۷۷۳۰	۰/۰۴۱
میزان امیدبه‌زندگی (۲-)	-۲/۶۸۴۱	۲/۰۰۸۱	-۳/۳۲۸۶	۰/۰۴۹
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	-۱/۲۳۹۰۰	۰/۳۱۷۲۲	-۰/۷۵۳۴۲	۰/۰۳۳
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه (۱-)	-۰/۳۵۲۳۵	۰/۲۴۰۸۶	-۱/۴۶۲۹	۰/۲۱۷
عرض از مبدأ	-۱/۲۳۷۹	۳۶/۹۳۲۵	-۰/۳۳۵۱۸	۰/۰۰۰

منبع: خروجی نرم‌افزار مایکروفت

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۵، اثر متغیر میزان قتل، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، بر میزان سرقت در سال‌های بعد تأثیر معناداری نداشت. تأثیرات معنادار میزان باسواد

بدون وقفه و با وقفه یک و دو سال بر میزان قتل به صورت منفی بود و بیشترین تأثیرات را با وقفه یک سال بر میزان قتل داشت. تمامی تأثیرات متغیر میزان اشتغال بخش صنعتی بر میزان قتل منفی و بیشترین تأثیرات آن با وقفه دو سال بود. بیشترین میزان تأثیر امید به زندگی در وقفه دو سال و میزان دسترسی به امکانات زیرساختی توسعه بدون وقفه وارد شد؛ ضمن اینکه تمامی تأثیرات این دو متغیر در کوتاه مدت، بر میزان سرقت به صورت منفی بود. همچنین، میزان تبیین الگو برابر با ۰/۹۱۷۰۲ و سطح معناداری (۰/۰۰۹) آزمون F-stat نشان از برآورد درست و با دقت زیاد الگو داشت. علاوه بر این، براساس نتایج مندرج در جدول ۵، آزمون‌های تشخیصی از جمله اختلال به لحاظ خودهمبستگی سریالی، فرم تبعی، نرمال بودن توزیع جملات خطا و همسانی واریانس جملات اختلال، همه شرایط کلاسیک را داشتند و از تمامی آزمون‌های نکویی برازش عبور کردند.

برای بررسی رابطه بلندمدت، با کم کردن مقدار ضریب وقفه متغیر وابسته (۰/۱۴۰۰) از ۱ و تقسیم آن بر انحراف استاندارد (۰/۲۳۰۸) عدد ۳/۷۲۵- به دست آمد که از نظر قدرمطلق از مقدار بحرانی بنرجی، دولادو و مستر (۳/۲۷) بیشتر بود؛ بنابراین وجود رابطه بلندمدت تأیید شد و نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. بررسی رابطه بلندمدت بین شاخص‌های توسعه و میزان قتل

متغیر (وقفه)	ضریب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
درصد باسوادی	-۱/۱۵۲۸۵	۰/۱۵۹۷۳	-۰/۹۵۵۲۴	۰/۰۴۴
درصد شاغلان بخش صنعت	-۱/۸۵۴۰۳	۰/۶۳۰۶۴	-۱/۳۵۴۲	۰/۰۳۶
میزان امید به زندگی	-۳/۱۴۶۸۱	۰/۵۵۲۸۳	-۲/۲۶۵۵۶	۰/۰۰۰
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	-۲/۱۰۸۰۴	۰/۱۹۹۹۴	-۰/۵۴۰۳۲	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	-۱/۱۷۹۹	۳۵/۱۷۹۹	-۰/۰۳۳۰۱۹	۰/۰۰۲

منبع: خروجی نرم افزار مایکروفت

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، در بلندمدت تأثیر همه شاخص‌های توسعه بر میزان قتل منفی و معنادار بود و متغیرهای میزان امیدبه‌زندگی و میزان دسترسی به امکانات زیرساختی، تأثیرات بلندمدت قوی‌تری بر میزان قتل به نسبت متغیرهای میزان اشتغال در بخش صنعت و درصد باسوادی جمعیت داشتند.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت همراه با روند رشد شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی در طول دوره بررسی شده (۱۳۷۵-۱۳۹۴) در کشور، میزان سرقت نیز افزایش چشمگیری پیدا کرده است و از ۱۲/۵ مورد به‌ازای هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۷۵ به ۹۷/۱۵ مورد در سال ۱۳۹۴ رسیده است؛ اما میزان قتل در کشور با در نظر گرفتن میزان آن در سال ابتدایی و انتهای پژوهش (۳/۸ مورد به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) به‌طور تقریبی روند ثابتی داشته است؛ هرچند در سال‌های میانی این بازه بیست‌ساله، نوسان‌های کاهشی-افزایشی را تجربه کرده است.

بررسی روابط بین متغیرهای موردبررسی نیز نشان می‌دهد همه شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی (میزان باسوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت، امیدبه‌زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای) دارای رابطه قوی و مثبتی با میزان سرقت بوده‌اند؛ اگرچه بررسی روابط کوتاه‌مدت بین متغیرها نشان می‌دهد که شاخص‌های سطح باسوادی و اشتغال در بخش صنعت و میزان امیدبه‌زندگی در کوتاه‌مدت ارتباط منفی با میزان سرقت داشته و با افزایش آنها میزان سرقت در کوتاه‌مدت کاهش یافته است، بررسی روابط بلندمدت نشان می‌دهد که هر ۴ متغیر دارای ارتباط مثبت و مستقیم با میزان سرقت بوده‌اند و این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش‌های قبلی (شیجور، ۱۹۹۰؛ بنت ۱۹۹۱) است. همچنین، بررسی روابط شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی با میزان قتل نشان می‌دهد همه شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی (میزان باسوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت، امیدبه‌زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای) دارای رابطه منفی با میزان قتل بوده‌اند؛ علاوه بر این، بررسی روابط

کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرها نیز نشان می‌دهد که هر ۴ متغیر دارای ارتباط منفی با میزان قتل بوده‌اند و با افزایش سطح این شاخص‌ها، میزان قتل در کشور کاهش یافته است و این نتایج همسو با نتایج پژوهش‌های قبلی (نابلاخان و دیگران، ۲۰۱۵؛ بوسول، ۲۰۱۳؛ اندزنگ، ۱۹۹۱؛ زارع و لک، ۱۳۹۰) است.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت افزایش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی (با توجه به شاخص‌های درصد باسواد جمعیت، میزان امیدبه‌زندگی، میزان اشتغال در بخش صنعتی و میزان دسترسی به تسهیلات زیرساختی توسعه) با آنکه همبستگی معکوس با میزان جرایم خشن در کشور داشته و سبب کاهش قتل در کشور شده است، این افزایش سطح توسعه‌یافتگی همبستگی مستقیمی با میزان سرقت در کشور داشته و افزایش سطح توسعه‌یافتگی، افزایش میزان سرقت در کشور را نیز به‌همراه داشته است.

یکی از مهم‌ترین تبیین‌های نظری درباره افزایش سرقت در جوامع توسعه‌یافته، افزایش شمار فرصت‌ها و اهداف جرم در جامعه مدرن است. همراه با ثروتمند شدن جمعیت و اولویت یافتن مصرف‌گرایی در زندگی مردم، افراد بیشتر و بیشتر صاحب کالا و لوازمی مانند تلویزیون، رایانه، اتومبیل و پوشاک گران‌قیمت (اهداف مطلوب سارقان) می‌شوند، زنان هر روز بیش‌ازپیش بیرون از خانه مشغول به کار می‌شوند و خانه‌های مسکونی در طول روز خالی می‌مانند. بنابراین، «مجرمان انگیزه‌داری» که خواهان ارتکاب جرم باشند، می‌توانند از میان گستره وسیعی از «اهداف مناسب» دست به انتخاب بزنند (گیدنز، ۱۳۹۴: ۳۱۱). اما به‌نظر می‌رسد تبیین اصلی در این زمینه به مسئله آنومی و شرایط نابرابر اجتماعی-اقتصادی در جامعه درحال‌گذار و آنومیک ایران برمی‌گردد؛ از نظر دورکیم تغییرات سریع اقتصادی-اجتماعی، جامعه را به وضعیت آنومیک دچار کرده، سبب تضعیف نظام اخلاقی جامعه می‌شود. جوامع جدید بیشتر مستعد آنومی‌اند و در شرایط آنومیک، نابرابری‌های بیرونی افزایش می‌یابد (دورکیم، ۱۳۸۴: ۴۳۵) از طرف دیگر، در شرایط نابرابر، وسایل مشروع رسیدن به اهداف و آمالی که جامعه به آنها ارزش می‌نهد، در اختیار همگان نیست و تنها قشر خاصی (ثروتمند و قدرتمند) به آن دسترسی دارند. بنابراین، احتمال انتخاب الگوهای انحرافی تأمین انتظارات نهادینه‌شده جامعه افزایش می‌یابد. از این رو، افزایش سرقت به‌مثابه انحرافی مطرح می‌شود که

نتیجه فشار و تنش ساختارهای اجتماعی است. در این زمینه می‌توان به داده‌های استانی سرقت در سال ۱۳۹۴ (به‌مثابه سال پایانی پژوهش) استناد کرد که براساس آن، بیشترین میزان سرقت به‌ترتیب در استان‌های تهران (۲۱۹/۴ مورد به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت)، سمنان (۱۶۵/۴ مورد) و خراسان رضوی (۱۴۷/۷ مورد) اتفاق افتاده است. با آنکه پژوهش معتبری درباره رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۹۲ به بعد در دسترس نیست، با توجه به پژوهش‌های موجود در این زمینه (اطاعت و شجاعی‌نسب، ۱۳۹۲؛ سنگاچین و دیگران، ۱۳۹۱) استان‌های تهران، سمنان و خراسان رضوی را می‌توان استان‌های برخوردار و توسعه‌یافته در کشور قلمداد کرد.

در پایان می‌توان گفت اگرچه توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور در دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۴ مزایایی را برای کشور به‌همراه آورده است (ازجمله این مزایا، همبستگی منفی است که نرخ قتل با میزان توسعه‌یافتگی دارد)، نمی‌توان از رابطه مثبت میان توسعه اقتصادی-اجتماعی و میزان سرقت در کشور چشم‌پوشی کرد. نتیجه تحلیل جرم از این منظر، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بلندمدت برای کاهش و پیشگیری از جرم از راه توسعه اقتصادی-اجتماعی است که همراه با عدالت توزیعی اقتصادی و اجتماعی باشد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر کلمه.
- اطاعت، جواد، شجاعی نسب، عبدالرضا (۱۳۹۲)، *سنجش شاخص‌های توسعه‌یافتگی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸*، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۲: ۲۰-۱۱.
- اینگلهارت، رونالد؛ ولز، کریستین (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، تهران: نشر کویر.
- بیکر، ترزال (۱۳۹۲)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نائیبی، تهران: نشر نی.
- تشکینی، احمد (۱۳۹۳)، *اقتصادسنجی کاربردی به کمک مایکروفتیت*، تهران: نشر نور علم.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- چتفیلد، کریستوفر (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر تحلیل سری‌های زمانی*، ترجمه سید ابوالقاسم بزرگ‌نیا، حسینعلی نیرومند، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود، اکبری، حسین (۱۳۸۴)، «توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی، مطالعه تطبیقی-طولی» (۲۰۰-۱۹۷۰)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۳: ۴۶-۲۸.
- خداپرست مشهدی، مهدی، غفوری ساداتیه، ماندانا (۱۳۹۳)، «بررسی ارتباط توسعه‌یافتگی و ارتکاب جرم در اقتصاد ایران»، *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، سال بیست و یکم، شماره ۵: ۴۴-۲۸.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، *خودکشی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز
- زارع، بیژن، زندی لک، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «مطالعه رابطه سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی-

- اجتماعی با میزان جرایم خشن در بین استان‌ها»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۳: ۹۷-۱۲۵.
- سازمان ثبت احوال ایران (۱۳۹۳)، سالنامه آماری ایران.
 - سراجزاده، سیدحسین؛ نوربخش، افروز (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه توسعه اقتصادی و اجتماعی و جرم زنان در ایران»، مجله مطالعات زنان، سال ششم، شماره ۳: ۳۱-۵۳.
 - سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۶)، «ناهمگونی‌های اقتصادی منطقه‌ای در ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۱-۱۲۲: ۱۸۱۱۷۲-۱۸۱.
 - سنگاچین، فرزاد، صالحی، اسماعیل، دیناروندی، مرتضی (۱۳۹۱)، «سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی»، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۴، شماره ۲: ۵-۲۶.
 - شیخی، محمدتقی (۱۳۸۱)، «تحلیلی جامعه‌شناختی از نقش تغییرات اجتماعی در تحولات فرهنگی»، مجله فرهنگ عمومی و وفاق اجتماعی، شماره ۲۴.
 - صادقی، حسین، شهری شقاقی، وحید، اصغرپور، حسین (۱۳۸۴)، «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذاری بر جرم در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸: ۶۳-۹۰.
 - گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
 - لطفی، عزت‌اله، فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۹۳)، «رشد صنعتی و جرم (شواهدی از استان‌های کشور طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه)»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۰: ۳۹-۶۰.
 - لفت‌ویچ، آدریان (۱۳۸۹)، دموکراسی و توسعه. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
 - مرکز آمار ایران (۱۳۹۲)، سالنامه آماری کشور، نشر دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌المللی.
 - مساواتی، مجید (۱۳۷۵)، «خانواده‌های مهاجر روستایی و طلاق»، فصلنامه جمعیت، شماره ۴-۵: ۴۰-۴۹.

- معیدفر، سعید (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: نشر نور علم.
- ناطق‌پور، محمدجواد (۱۳۸۶)، *رویکردی نو به آسیب اجتماعی از نگاه توسعه*. تهران: نشر سلمان.

- Andzenge, Dick Taver'shima. (1991), **Crime and development: A comparative analysis**, Dissertation Submitted to Degree of Doctor of Philosophy Department of Sociology, Western Michigan University
- Bennett, Richard R. (1991), "Development and Crime: A Cross-National, Time-Series Analysis of Competing Models", **The Sociological Quarterly**, Vol. 32, No. 3: 343-363.
- Boswell, Matthew James (2013), "**Economic change and violence in cross-national, regional, and local perspectives**", thesis submitted for the Doctor of Philosophy degree in Sociology, University of Iowa.
- Khan, Nabeela, Ahmed, Junaid, Nawaz, Muhammad, Zaman, Khalid. (2015), "The Socio-Economic Determinants of Crime in Pakistan: New Evidence on an Old Debate", **Arab Economics And Business Journal**, Vol.10: 73-81.
- LaFree, G. D., & Drass, K. A. (2002), "Counting crime booms among nations: Evidence for homicide victimization rates 1956 to 1998". **Criminology**, Vol. 40: 769-799.
- Malik, Ajaz Ahmad. (2016), "Urbanization and Crime: A Relational Analysis", **Journal Of Humanities And Social Science**, Vol. 21: 68-74.
- Morton. Robert K. (1994), "Social structure and anomic". **American sociological Reviews** Vol. 3, No. 5: 672-682.
- Rahav, Giora., Jaamdar, Shiva. (1982), "Development and crime: A cross-national study". **Development and Change**, Vol. 13: 447-562.
- Shelley, L. (1981), **Crime and modernization: The impact of industrialization and modernization on crime**. Carbondale, Southern Illinois University Press.
- Shichor, David. (1990), "Crime Patterns And Socioeconomic Development: A Cross-National Analysis", **Criminal Justice Review**, Vo 15: 64-78.
- Zehr, Howard. (1981), "The modernization of crime in Germany and France: 1830-1913", **Journal of Social History**, Vol. 8: 117-141.